

درس: تفسیر آیه الله نجفی (مدظله) مقرر: مصطفی اله دادی دستجردی	موضوع عام: سوره یونس موضوع خاص: آیه ۹	تاریخ: ۱۴۰۳/۰۳/۲۳ چهارشنبه
---	---	--

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ ۖ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ

بی تردید کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، پروردگارشان آنان را به سبب ایمانشان به بهشت‌های پر نعمت که نه‌رها از زیر [قصرهای] آنها جاری است، راهنمایی می‌کند (۹)

بیان کلی آیه

خداوند در دو آیه گذشته به ویژگی و جایگاه و عاقبت کافران پرداخت^۱، در این آیه، ویژگی و جایگاه و عاقبت و ثواب مؤمنان به جهت استجاب دعوت ایشان به عبادت را بیان می‌کند^۲.

اعراب آیه

{إِنَّ} حرف مشبه بالفعل {الَّذِينَ} اسم إنّ، منصوب {آمَنُوا} فعل ماضی، مبنی بر ضمه / {وَعَمِلُوا} فعل و فاعل {وَعَمِلُوا} (و) حرف عطف / فعل

۱. التبیان، ج ۵، ص ۳۴۲.

۲. المیزان، ج ۱۰، ص ۱۶.

ماضی، مبنی بر ضمّه / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {الصَّالِحَاتِ} مفعولّ به، منصوب {يَهْدِيهِمْ} فعل مضارع، مرفوع به ضمّه تقدیری، جمله خبر / (هم) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولّ به مقدّم {رَبَّهُمْ} فاعل، مرفوع / (هم) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه / خبر إنّ محذوف {بِإِيمَانِهِمْ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / (هم) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {تَجْرِي} فعل مضارع، مرفوع به ضمّه تقدیری {مِنْ} حرف جر {تَحْتِهِمْ} اسم مجرور / (هم) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {الْأَنْهَارُ} فاعل، مرفوع {فِي} حرف جر {جَنَّاتٍ} حال، منصوب {التَّعِيمِ} مضاف الیه، مجرور.

تفسیر آیه

خداوند در مقام بیان ویژگی‌های مؤمنان، دو صفت در ایشان را بیان کرده و در ویژگی نخست می‌فرماید: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا یعنی بی‌تردید کسانی که ایمان آورده‌اند عبارت إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا در مقابل عبارت إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا قرار دارد به نحوی که به اعتقاد و باور مؤمنان در مقابل انکار کافران را ذکر کرده است.

مراد از ایمان در اینجا همان تصدیق خداوند و پیامبر و اعتراف به ایشان است.^۳ در ویژگی دوم مؤمنان می‌فرماید: وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ و کارهای شایسته انجام داده‌اند. این عبارت به معنای آنست که علاوه بر ایمان، کردار شایسته نیز برای نیل به ثواب الهی لازم است که شامل انجام واجبات و مستحبات و ترک محرمات و مکروهات می‌شود.

خداوند در ادامه در مقام عاقبت و ثواب مؤمنان می‌فرماید: يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ پروردگارشان آنان را به سبب ایمانشان، راهنمایی و هدایت می‌کند. این عبارت به عنوان نتیجه ایمان و عمل صالح محسوب می‌شود که عبارت از هدایت

الهی است. هدایت به معنای ارشاد به چیزی است که دارای منفعت باشد^۴ و در مقابلش ضلالت است که راهنمایی به چیزی است که دارای ضرر باشد. خداوند مؤمنان را به درجات بالاتر ایمان هدایت می‌کند.

ناگفته نماند که تقدّم مفعول به در عبارت «يَهْدِيهِمْ» برای بیان حصر است. یعنی خداوند صرفاً مؤمنان را که دارای اعمال شایسته باشند، به آنچه دارای نفع است) مانند درجه بالاتر ایمان) هدایت می‌کند. معنای دیگر يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ می‌تواند ارشاد به بهشت هم باشد.^۵

حرف باء در عبارت «بِإِيمَانِهِمْ» برای سببیت است. یعنی سبب هدایت پروردگار به درجات برتر ایمان یا بهشت، ایمان و باور آنان است.

خداوند در ادامه می‌فرماید: تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ پروردگارشان مؤمنان را به سبب ایمانشان به بهشت‌های پر نعمت که نهرها از زیر آنها جاری است و بهشتیان بر آن مُشرفند یا از زیر بستانها و قصرهایشان جاریست) چنانچه ابوعلی گفته است)، راهنمایی می‌کند. لذا عمل صالح در نیل به نعم بهشتی و درجات آن دخیل است، چنانچه عمل طالح و ناشایست در رسیدن به عذاب جهنم و درکات آن دخالت دارد. مراد از نعیم انواع لذتها و منافی است که بهشتیان از آن بهرمند می‌شوند.^۶

علامه طباطبایی قدس سره می‌فرماید: نعمت‌های بهشتی امری است که اعمال صالح در آن دخالت دارد، هم چنان که اعمال زشت دخالت در انواع عذاب دارد، خدای تعالی در باره مؤمنینی که اعمال صالح دارند می‌فرماید: تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي

۴ . تفسیر ابن عاشور، ج ۱۱، ص ۲۵.

۵ . التبیان، ج ۵، ص ۳۴۳.

۶ . التبیان، ج ۵، ص ۳۴۳.

جَنَاتِ النَّعِيمِ^۷ و در باره کفار می‌فرماید: أُولَئِكَ مَاوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ^۸

معنای حقیقی نعیم در قرآن همان پذیرش ولایت الهی است.^۹ این بیان در محل خودش بوده و صحیح است. ولایت الهی شامل همه مخلوقات از مؤمن و کافر و دیگران می‌شود لکن مؤمنان آنرا پذیرفته ولی کافران منکر آنند. نخستین درجه نعیم همانا پذیرش ولایت الهی است. این ولایت اولاً و بالذات مخصوص پروردگار است و ثانیاً و بالعرض بعضی مراتب آن برای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌باشد که از جانب خداوند به ایشان تفویض شده است و این ولایت پس از ایشان به اوصیای برحق پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی ائمه هدی علیهم السلام رسیده است. این ولایت پس از ایشان به احدی از خلق تفویض نشده و کسی قابلیت آنرا ندارد. لذا آنچه که برخی متصوّفه یا غیر ایشان در این باب گفته‌اند، ناتمام بوده و توهماتی بیش نیست.

روایت

در خبر عبدالله بن فضل هاشمی آمده؛ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَانِيُّ وَ عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِمْرَانَ الدَّقَّاقُ رَحِمَهُمُ اللَّهُ قَالُوا حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنُ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ حَدَّثَنَا تَمِيمُ بْنُ بَهْلُولٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سُلَيْمَانَ الْبَصْرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَ مَنْ يُضِلِّ فَلَنْ

۷. یونس، ۹.

۸. یونس، ۸.

۹. المیزان، ج ۱۰، ص ۱۶.

تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْشِدًا^{۱۰} فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُضِلُّ الظَّالِمِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَنْ دَارِ كَرَامَتِهِ وَ
يَهْدِي أَهْلَ الْإِيمَانِ وَالْعَمَلَ الصَّالِحِ إِلَى جَنَّتِهِ كَمَا قَالَ عَزَّ وَجَلَّ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَ
يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ^{۱۱} وَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ - إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ
بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ^{۱۲} قَالَ فَقُلْتُ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ مَا تَوْفِيقِي
إِلَّا بِاللَّهِ^{۱۳} وَقَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ - إِنَّ يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي
يَنْصُرْكُمْ مِنْ بَعْدِهِ^{۱۴} فَقَالَ إِذَا فَعَلَ الْعَبْدُ مَا أَمَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ مِنْ الطَّاعَةِ كَانَ فِعْلُهُ وَفَقًا
لِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ سُمِّيَ الْعَبْدُ بِهِ مُوَفَّقًا وَإِذَا أَرَادَ الْعَبْدُ أَنْ يَدْخُلَ فِي شَيْءٍ مِنْ مَعَاصِي
اللَّهِ فَحَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَيْنَهُ وَبَيْنَ تِلْكَ الْمُعْصِيَةِ فَتَرَكَهَا كَانَ تَرْكُهُ لَهَا بِتَوْفِيقِ اللَّهِ تَعَالَى
ذِكْرُهُ وَ مَتَى خَلَّى بَيْنَهُ وَبَيْنَ تِلْكَ الْمُعْصِيَةِ فَلَمْ يَحُلْ بَيْنَهُ وَبَيْنَهَا حَتَّى يَرْتَكِبَهَا فَقَدْ خَذَلَهُ وَ لَمْ
يَنْصُرْهُ وَ لَمْ يُوَفِّقْهُ.^{۱۵}

عبد الله بن فضل هاشمی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم در فرموده خداوند
عَزَّ وَجَلَّ : (هر کسی را خدا راهنمائی کند هدایت شده است و کسی را که پروردگار
بحال خود رهایش کند هرگز سرپرست و ارشادکننده‌ای برای او نخواهی یافت)
منظور از هدایت و ضلالت چیست؟ فرمود: روز قیامت پروردگار ظالمین را از خانه
کرامت خود (بهشت) ناکام می‌سازد و مؤمنان و نیکان را بسوی بهشت خود راهنمائی

۱۰ . الکهف، ۱۷.

۱۱ . ابراهیم، ۲۷.

۱۲ . یونس، ۹.

۱۳ . هود، ۸۸.

۱۴ . آل عمران، ۱۶۰.

۱۵ . التوحید، ص ۲۴۱، باب ۳۵، ح ۱.

کرده و داخل می‌کند، چنان که خود فرموده است: ولی افراد ستمگر را بخودشان وامی‌گذارد و پروردگار هر کاری را بخواهد انجام می‌دهد. و همچنین فرموده است: ولی کسانی که ایمان آورده نیکوکار شدند خداوند آنان را به سبب همان ایمانشان به راه بهشت و طریق سعادت راهنمایی می‌کند تا از بوستانهای بهشتی که نهرها از جلو جایگاهشان روان خواهد بود متنعم گردند. راوی گوید: عرض کردم مراد از «توفیق» در کتاب خداوند عزّ و جلّ: وَ مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللّٰهِ (و برای من در اصلاح کارها یا رسیدن به سر منزل ثواب و صلاح توفیقی نیست مگر به هدایت خداوند و همچنین «خذلان» در آیه شریفه إِنَّ يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَ إِنَّ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرْكُمْ مِنْ بَعْدِهِ (اگر خداوند شما را یاری دهد «مانند جنگ بدر» پس هیچ کس بر شما چیره نگردد، و اگر شما را به حال خود گذارد «همچون جنگ احد» بعد از آن کیست که شما را یاری دهد) چیست؟ فرمود: هر گاه بنده‌ای عمل شایسته‌ای را که خدا به او دستور داده انجام داد، این کردارش مناسب و موافق با فرمان خدا است که به او بنده موفق گویند. و هر گاه بخواهد مرتکب گناهی شود پروردگار مانعی میان بنده و آن معصیت ایجاد می‌فرماید که در نتیجه، آن را انجام نمی‌دهد، که ترك آن معصیت به كمك و مدد خدای تعالی بوده است و اگر میان او و گناه را واگذارد و حایلی ایجاد نکند، و بنده مرتکب آن گناه گردد، خداوند عزّ و جلّ یاری‌اش نکرده و موفقش نگردانده است.